



## کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

### (( بررسی وضعیت عمومی زنان در افغانستان ))

#### مقدمه:

گزارش حاضر نتیجه یک بررسی کلی از وضعیت عمومی زنان که نیمی از جامعه افغانستان را تشکیل می دهد، می باشد که توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر به مناسبت 8 مارچ صورت گرفته است. حقوق زنان در اکثر معاهدات بین المللی حقوق بشر که افغانستان به آنها پیوسته است همچون میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان و اعلامیه جهانی حقوق بشر به اشکال مختلف آمده است، لذا حکومت افغانستان مکلف به رعایت و تطبیق حقوق زنان می باشد که این تعهدات در قانون اساسی نیز تذکر یافته است. ماده 7 قانون اساسی افغانستان: دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آنها پیوسته است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را مراعات می کند. ماده 22 قانون اساسی: هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع می باشد. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق، و جایب مساوی می باشند. اما با وجود تمامی این معاهدات و قوانین، با وجود اینکه در چند سال اخیر شاهد توسعه نسبی حقوق زنان بوده ایم، باز هم مشکلات عدیده زنان در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... پا برجا می باشد.

#### روش گردآوری اطلاعات:

جمع آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه صورت گرفته است، اطلاعات از طرق مختلف همچون استفاده از نتایج بررسی ها و مطالعات همیشگی کمیسیون در مورد زنان، مطالعه راپورهای سالانه و تحقیقات مختلف که کمیسیون انجام داده است، مصاحبه با دست اندرکاران برخی ارگانهای دیگر همچون حارنوالی و محابیس و مصاحبه های مستقیم با مردم جمع آوری گردیده است. که جنبه های مختلف همچون تعلیم و تربیه، صحت، وضعیت خشونت علیه زنان و وضعیت حمایت های قضایی از ایشان را شامل می گردد.

#### محدودیت ها:

بررسی حاضر محدودیت هایی نیز داشته است مثلاً "عدم دسترسی به اطلاعات دقیق در زمینه هایی همچون خشونت های خانگی، تجاوزات جنسی چرا که اکثر زنان یا فامیل ها از عنوان نمودن آن خودداری می کنند. دسترسی به بسیاری مناطق همچون ارزگان به علت مسائل امنیتی ناممکن بوده است لذا از چنین مناطقی اطلاعات جمع آوری نشده است و یا اطلاعات دقیق نمی باشد، لذا قابل ذکر است که آمار های این راپور شامل تمامی موارد واقع شده در کشور نمی باشد اما تلاش شده است تا تصویری کلی از وضعیت زنان در کشور ارائه گردد.

#### 1. تعلیم و تربیه:

می دانیم که از اساسات ارتقا سطح زندگی در هر جامعه ای، تعلیم و تربیه بالاخص برای دختران می باشد اما در جامعه افغانستان با وجود بیش از 85% زنان و دختران بی سواد، بودجه اختصاصی دولت در این عرصه پایین ترین سطح را در منطقه دارا می باشد و دختران در این عرصه با مشکلات بسیاری مواجه هستند.<sup>1</sup>

<sup>1</sup> سالنامه احصائیوی 1383، اداره مرکزی احصائییه، ص 39

در افغانستان دختران شامل در مکتب کمتر از نصف پسران شامل در مکتب بوده و حتی در مناطقی چون زابل این نسبت 3% در مقابل 97% می باشد. در حالی که نفوس اناث و ذکور در سنین مکتب (18-6 سالگی) تفاوت چندان ندارد.

همچنین مشکل دیگری که در عرصه تعلیم و تربیه در افغانستان مشاهده می شود این است که در تمام افغانستان تعداد مکاتب دخترانه از سطح ابتدایی تا لیسه کاهش قابل ملاحظه ای را نشان می دهد به طور مثال قندهار دارای 255 مکتب ابتدایی است در حالی که فقط 20 لیسه در این شهر موجود می باشد همچنین در زون مرکزی 256 لیسه وجود داشته و تنها 27 لیسه، که این مسئله نشانگر عدم تمایل یا توانایی دختران بنا به دلایل مختلف به ادامه تحصیل می باشد.

مشکل دیگر در عرصه تعلیم و تربیه، پراکندگی ناهمگون مکاتب در سطح افغانستان و در نتیجه نقض حق دسترسی اطفال به خصوص دختران به تعلیم تربیه می باشد. به طور مثال می توان اشاره نمود که ولایت فاریاب دارای 4 لیسه دخترانه می باشد در حالی که ولایت غور حتی یک لیسه دخترانه هم ندارد، یا اینکه زون جنوب دارای 61 لیسه می باشد در مقابل زون مرکز دارای 27 لیسه است.

بیشترین علل تحصیل نمودن دختران در افغانستان مطابق نتایج این مطالعه به قرار ذیل می باشد:

1- تبعیض های جنسیتی رایج در عرف جامعه

2- فقر فامیلها

3- مسائل امنیتی

4- نبود یا کمبود مکاتب دخترانه

که البته درجه اهمیت این عوامل در مناطق مختلف متفاوت می باشد. به طور نمونه در منطقه زابل بیش از 90% دختران صرف به دلیل ناامنی از رفتن به مکتب باز می مانند.

طبق گزارشات رسانه ها و اعلامیه های ملل متحد طی سال جاری به خصوص در قسمتهای جنوبی حدود 300 مکتب به آتش کشیده شده است و تعدادی از معلمین کشته شدند که این موارد همه نشانگر ناامنی در جامعه می باشد که به شدت بر شمولیت اطفال بالاخص دختران در مکتب و درس تاثیر منفی دارد.

در جوزجان از مهمترین دلایل باز ماندن دختران از تحصیل نبود مکتب دخترانه می باشد. در ولسوالی قرقرین جوزجان به جز یک مکتب شخصی تا صنف دوم کدام مکتب دیگری وجود ندارد.

در زون شمال شرق عاملی که بیشتر از دیگر عوامل اطفال را از تحصیل باز می دارد فقر خانواده ها می باشد. البته قابل ذکر است که فقر در افغانستان یک مسئله کشوری می باشد نه تنها در شمال شرق، طوری که گزارش اهداف توسعه هزار ساله افغانستان در 2005 تخمین زده است حد اوسط درآمد سرانه در افغانستان کمتر از 200 دالر آمریکایی می باشد. ضمناً در افغانستان فقط 13/5% خانواده ها دارای منبع درآمد پایدار می باشند<sup>2</sup> که آسیب پذیری اقتصادی خانواده ها با تحصیل نمودن دختران ارتباطی کاملاً مستقیم دارد.

بسیاری از دختران به علت کار منزل از شمولیت در مکتب باز می مانند در حالی که اکثر این دختران حتی در زمره اطفال کارگر محسوب نمی شوند. درحالی که فیصدی دختران کارگری که به مکتب نمی روند بیش از پسران کارگر است.

تمام این مشکلات در حالی است که طبق ماده 26 اعلامیه جهانی حقوق بشر ( هرکس حق دارد که از تعلیم و تربیه بهره مند گردد و تعلیم و تربیه لاقلاً تا حدودی که مربوط تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید رایگان باشد....) همه باید به آموزش دسترسی داشته باشند.

بر اساس ماده 28 کنوانسیون حقوق طفل: دول طرف کنوانسیون حق طفل را به تحصیل به رسمیت شناخته و برای به دست آوردن این حق دولتها باید به خصوص بر اساس فرصتهای برابر و به تدریج (ه) اقداماتی را اتخاذ نمایند تا پایبندی و حضور منظم در مکتب تشویق شده و نسبت ناکامی کاهش یابد.

طبق ماده 10 کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان: حکومت مکلف است تا به خاطر تامین حقوق برابر زنان و مردان در عرصه تعلیم و تربیه اقدامات لازم را اتخاذ کند.

همچنین مواد 43 و 44 قانون اساسی حکومت را مکلف می داند تا به جهت از بین بردن بی سوای وانکشاف تعلیمات زنان و بهبود تعلیم کوچیان تدابیر خاص داشته باشند.

بناءً دولت مکلف است تا در عرصه تعلیم و تربیه به شکل هر چه جدی تر از گذشته وارد عمل شده و به بررسی ریشه ای علل و عوامل پرداخته و به خصوص در مورد ارتقا آگاهی جامعه در زمینه اهمیت تحصیل دختران و

<sup>2</sup> گزارش حقوق اقتصادی و اجتماعی در افغانستان، کمیسیون مستقل حقوق بشر، فبروری 2006، ص 16

کمک به فامیل های فقیر جهت ادامه تحصیل اطفالشان و مسئله امنیت توجه و رسیدگی جدی نموده و موانع تحصیل دختران، چه شمولیت شان در مکتب و چه ادامه تحصیل ایشان در مدارج بالاتر را رفع نماید.

## 2. صحت:

صحت و دسترسی به خدمات صحتی از حقوق اساسی هر انسان است که متأسفانه در افغانستان تا هنوز برای بسیاری از مردم بالاخص زنان این حقوق میسر نمی باشد.

وجود صرف 1 داکتر و 5 نرس برای هر 100,000 نفر و یک بستر برای هر 3000 نفر مشکلی است بسیار عمده<sup>3</sup>. در نتیجه این محدودیتها و فقر، درآمد بسیار پایین فامیل ها می بینیم که آمار مرگ و میر مادران، اطفال در افغانستان در بالاترین سطوح جهانی قرار دارد. طوری که در هر 30 دقیقه 1 زن در اثر مسائل بارداری جان می بازد که رقم این مرگها از هر 1000 نفر زن 16 تن می باشد که 60 برابر کشورهای صنعتی است در حالی که 80% این مرگها قابل پیشگیری می باشد<sup>4</sup>، مطابق گزارش توسعه هزار ساله برای افغانستان تا سال 2015 این رقم باید در حد 50% کاهش یابد. اما نظارت و بررسیهای کمیسیون نگرانی نرسیدن به این هدف را نشان میدهد. همچنین در افغانستان 70% بیماران سلی را زنان تشکیل می دهند و بسیاری مشکلات صحتی دیگر نیز دامنگیر زنان می باشد.

مطابق مطالعات اخیر کمیسیون مستقل حقوق بشر در مورد علل عدم دسترسی یا استفاده زنان از خدمات صحتی، مهمترین این علل به قرار ذیل بوده است:

عرف و باورهای غلط، نبود یا کمبود مراکز و امکانات صحتی، ضعف اقتصادی مردم، عدم خود کفایی و عدم دخالت داشتن زن در مسائل مربوط به خودش و کم اهمیتی به صحت ایشان از سوی فامیل ها و مورد خشونت بودن زنان در فامیل ها که ناشی از فرهنگ مرد سالاری جامعه ما می باشد و همچنین بی سوادی زنان.

طبق مطالعات صورت گرفته توسط کمیسیون 24/6% افراد به خدمات صحتی قابل قبولی دسترسی ندارند که مطمئناً بخش اعظم بلکه همه این رقم را زنان و اطفال تشکیل می دهند، ضمناً 54/8% افراد از آنچه به نام خدمات صحتی وجود دارد به علت پایین بودن کیفیت و دوری راه استفاده نمی کنند<sup>5</sup>.

شدت و ضعف دسترسی به خدمات صحتی در مناطق مختلف متفاوت می باشد. دسترسی مفید زنان به خدمات صحتی در مناطق جنوب غرب (زابل، هلمند) فقط در حدود 5-7% برآورد می شود و در برخی ولسوالی های زون مرکز حتی یک داکتر یا کمک کننده صحتی زن وجود ندارد و از سویی راههای صعب العبور امکان دسترسی زنان به خدمات صحتی را به شدت کاهش میدهد.

این در حالی است که در زمینه صحت زنان نیز همچون تعلیم و تربیه چه در قوانین بین المللی و چه قوانین داخلی تأکید بسیار شده است.

ماده 12 کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان دول عضو را مکلف به اتخاذ اقدامات ضروری جهت رفع تبعیضات علیه زنان در مورد حفظ سلامتی شان و فراهم آوری زمینه خدمات صحتی و غذای مناسب در دوران بارداری و شیردهی برای مادران می داند.

همچنین ماده 52 قانون اساسی تصریح می دارد که دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحتی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تأمین می نماید.

لذا بر حکومت است که با توجه به تعهداتش در برابر قوانین داخلی و بین المللی به جهت افزایش بودجه اختصاصی عرصه صحت و ارتقاء کمی و کیفی امکانات صحتی و ارتقا آگاهی، اصلاح باورهای غلط جامعه نسبت به این مقوله قدمهای موثرتری بردارد که در غیر این در انجام مکلفیتهایش ناکام بوده و عوارض ناشی از آن نه تنها زنان که برای تمامی جامعه خواهد بود.

## 3. خشونت علیه زنان:

علاوه بر مشکلات زنان در عرصه های مختلف چون صحت، تعلیم و تربیه مشکلات بگرنج تری چون ازدواجهای اجباری، خشونت خانوادگی، تجاوزهای جنسی و بازنگه داشته شدن از کار و فعالیت های سیاسی نیز گریبانگیر زنان بوده و می باشد.

<sup>3</sup> سالنامه احصائیوی 1383، اداره مرکزی احصائییه، ص 76

<sup>4</sup> گزارش ملی توسعه انسانی افغانستان، 2004

<sup>5</sup> گزارش حقوق اقتصادی و اجتماعی در افغانستان، کمیسیون مستقل حقوق بشر، فیروزی 2006، ص 31-33

اکثر زنان افغانستان از دورافتاده ترین نقاط تا شهری ترین نقاط چون کابل مورد خشونت خانگی قرار می گیرند. تحقیقی که کمیسیون مستقل حقوق بشر در مورد خشونت خانوادگی علیه زنان داشت، نشان داد که بیش از 50% زنان علاوه بر دیگر اشکال خشونت مورد لنت و کوب قرار می گیرند و فقط 10% این زنان عنوان نموده بودند که از لحاظ اقتصادی مشکلی ندارند<sup>6</sup>.

خشونت های خانوادگی نه تنها سبب آسیب های جدی جسمی و روانی برای زنان می گردد که عواقب وخیم چون خودسوزی، خودکشی، فرار از منزل، قتل، قاچاق، گرایش و اجبار به روسپیگری و اعتیاد را در مورد ایشان در پی دارد.

طبق آمار های ثبت شده در کمیسیون در فاصله 9 جدی 1383 تا سنبله 1384، 462 مورد زن که در اثر خشونت به اعتیاد روی آورده اند وجود داشته است.

طبق بررسی های کمیسیون حقوق بشر، خودسوزی و قتل زنان در زون غرب و جنوب شرق افغانستان بالاخص غرب بالاترین حد را دارا می باشد، طوری که در زون غرب 150 مورد خودسوزی طی سال 1384 شناسایی شده است و زون جنوب شرق 34 مورد، لذا باید در مورد علل وجود خودسوزی بررسی و ریشه یابی عمیق صورت گیرد.

فرار از منزل معضل دیگری است که نتیجه خشونت و محدودیت های غیر قانونی خانوادگی است و زیادتیر در قسمتهای جنوب و جنوب شرق مشاهده می شود. از قندهار 20 مورد، زون جنوب شرق 17 مورد و شرق 12 مورد طی سال جاری گزارش شده است.

کمیسیون طی سال 1384، 197 مورد اقدام به خودکشی که 69 مورد آن منجر به مرگ شده است در هرات شناسایی نموده است و در قندهار 35 مورد شناسایی شده است که طبق بررسی های کمیسیون اکثریت این موارد ناشی از خشونت های خانگی بوده است.

در بسیاری ولایات خشونت های خانوادگی سبب کشیده شدن زنان به روسپیگری گردیده است. کمیسیون در زون شرق 6 مورد از قاچاق زنان راطی سال جاری بررسی نموده است، در هلمند 20 مورد تبادل زنان در برابر مواد مخدر بنا به دلایل مختلف از جمله اعتیاد اقارب طی سال جاری بررسی شده است البته قابل ذکر است که این مسئله در بسیاری نقاط دیگر افغانستان هم مشاهده شده است.

در اکثر نقاط افغانستان تعدد زوجات که خود از عوامل دامن زننده به خشونت های خانوادگی می باشد به عنوان یک رسم مقبول وجود دارد و همچنین رسوم و عنعنات ناپسند سبب شده که در این مناطق زنان بیوه هنوز هم منحیت ارث شمرده شده و اجازه ازدواج به دلخواه خود را نداشته باشند.

با وجود حاد بودن این معضل در جامعه افغانستان، در قوانین و در عمل برخورد جدی نشده است و عدم وضاحت در قانون و عدم آگاهی از قانون و عدم تطابق قانون مدنی با قانون اساسی و تحولات افغانستان سبب سوء استفاده هر چه بیشتر از این موضوع گردیده است. لذا لازم است تا قانون مدنی با توجه به قانون اساسی و تعهدات بین المللی افغانستان به شکل صحیح تنظیم گردد.

#### - ازدواج اجباری:

از دیگر مشکلات جدی زنان در افغانستان مسئله ازدواج های اجباری می باشد که به اشکال مختلف چون بدل، بد دادن، تهدید، به ازای طویانه گزاف، به شوهر دادن در طفولیت و به نام کردن در زمان شیرخوارگی مرسوم می باشد.

یک تحقیق کمیسیون نشان می دهد که بیش از 38% زنان افغانستان عنوان نموده اند که برخلاف میل شان به شوهر داده شده اند و بیشتر از 50% زنان عنوان کرده اند که از زندگی فامیلی شان رضایت ندارند<sup>7</sup>. ازدواج های اجباری بیشتر در زون جنوب و جنوب غرب کشور (قندهار، هلمند، زابل) رایج می باشد که در هلمند 144 مورد ازدواج اجباری طی سال جاری شناخته شده است که بیشتر به شکل بدل کردن و شوهر دادن به ازای طویانه گزاف بوده است.

ازدواج با تهدید توسط افراد مختلف همچون زورمندان منطقه، تفنگ داران و به ازای قرض در بسیاری نقاط افغانستان صورت می گیرد. در هلمند 7 مورد، قندهار 5 مورد، درون غرب 9 مورد ازدواج هایی که با تهدید صورت گرفته است در سال جاری شناخته شده است.

<sup>6</sup> تحقیق خشونت علیه زن، عقرب 1383، کمیسیون مستقل حقوق بشر، ص 14  
<sup>7</sup> تحقیق خشونت علیه زن، عقرب 1383، کمیسیون مستقل حقوق بشر، ص 13

قابل ذکر است که این آمار صرف مواردی است که کمیسیون مستقل حقوق بشر توانسته آنها را شناسایی و بررسی نماید و احتمالاً "شمار واقعی به مراتب بیش از این می باشد.

مطالعات انجام شده در مورد دلایل ازدوایج اجباری نشان می دهد که مهمترین دلیل رسم و عنعنات باورهای نادرست جامعه و در درجه بعد ناآگاهی خانواده ها، فقر فامیلیها و بی سوادی می باشد.

البته در زون جنوب و جنوب غرب مهمترین علت عدم تطبیق قانون و تعیین جزا برای مسببین امر و حاکمیت افراد زورمند یاد می شود.

ماده 16 کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان: دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را به منظور رفع تبعیضات علیه زنان در زمینه مسایل مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی به عمل خواهند آورد تا براساس اصل برخوردارای مردان و زنان از حق مساوی و یکسان موارد زیر بالاخص مراعات شده باشد. (ب) حق مشابه در انتخاب آزادانه همسر و صورت گرفتن ازدواج به رضایت کامل آنان.

ماده 23(3) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هیچ نکاحی بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین آن منعقد نمی شود.

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به ازدواج با رضایت طرفین تاکید دارد (ماده 16(2)).

علی رغم تاکیدات بسیار در قوانین بین المللی، در قوانین داخلی نقابسی موجود است که می تواند زمینه ازدواج اجباری و ازدواج در طفولیت را افزایش دهد. به طور مثال در قانون مدنی سن ازدواج دختران وضاحت نداشته و از طرفی مطابق ماده 71 قانون مدنی (1) هر گاه دختر سن مندرج ماده 70 (16 سالگی) را تکمیل نکرده باشد، عقد ازدواج وی تنها توسط پدر صحیح التصرف یا محکمه با صلاحیت صورت گرفته می تواند یعنی پدر حتی قبل از 16 سالگی می تواند در مورد ازدواج دخترش تصمیم گیرد. هر چند که بند (2) همین ماده عنوان می کند که عقد و ازدواج کمتر از 15 سال به هیچ وجه جواز ندارد اما عملاً می بینیم که تحت تاثیر عرف و عنعنات جامعه و عدم برخورد با خاطیان این مسئله ازدواج اطفال همچنان فیصدی بالایی را به خود اختصاص داده است یونیسف آمار ازدواج اطفال را در سال 2004 در افغانستان 57% اعلام نموده است. پس باید که مفهوم طفل در قوانین وضاحت یافته و در مورد ثبت و رجستر ازدواجها و تولد ها اقدامات جدی صورت گرفته و در مورد برخورد با خاطیان نیز عملکرد مناسب پیش گرفته شود. به علاوه برای ارتقاء سطح آگاهی عامه و مقابله با سنن غلط در جامعه تلاش شود.

#### - تجاوز جنسی:

تجاوز جنسی از موضوعاتی بوده که طی این بررسی مورد مطالعه قرار گرفت. این مشکل نیز همچون دیگر مشکلات زنان در اکثر نقاط افغانستان وجود دارد. بخش عمده این تجاوزات بالاخص در سالهای اخیر توسط افراد مسلح صورت گرفته است که بیشترین تجاوزات توسط افراد مسلح در زون جنوب شرق افغانستان بوده است. کمیسیون در سال جاری در این زون 18 مورد تجاوزات جنسی را بررسی نموده است و پس از آن در زون غرب که 8 مورد بوده است.

#### 4. برخورداری از حمایت های عادلانه و منصفانه قضائی:

یکی از موضوعات دیگری که در کشور ما قابل توجه میباشد و بایستی بر آن تاکید صورت گیرد. حمایت از زنان در محاکم قضائی کشور بصورت عادلانه و منصفانه میباشد زیرا در کشور بدلیل زیادی اعم از اجتماعی، فرهنگی و آموزشی حقوق زنان نقض میشود و زنان چاره ای ندارند جز اینکه بخاطر گرفتن حق شان به محاکم قضائی رجوع کنند و این روند از جمله حقوقی میباشد که هم در قانون اساسی و هم در میثاق ها و کنوانسیون های بین المللی از جمله کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان برای آنان در نظر گرفته شده است چنانچه که ماده 14 کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان اشعار میدارد.

" همه در مقابل دادگاه ها و دیوانهای قضائی متساوی هستند. هر کس حق دارد به این که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی طرف، طبق قانون رسیدگی شود.<sup>8</sup> بدین ترتیب کلیه حقوق زنان در اسناد قانونی داخلی و بین المللی برسمیت شناخته شده است اکنون باید دید که این حق در کشور ما تا چه اندازه اجرا شده. بدون شک در افغانستان مشکلات عمده وجود دارد که مانع به اجرا

<sup>8</sup> ویژه اسناد بین المللی حقوق بشر افغانستان کمیسیون مستقل حقوق بشر 1381/187

گذاشتن اصول حقوقی زنان میگردد چنانچه در یک نگاه کلی قضاوت ها بگونه ای بوده که رسیدگی به قضایای زنان در محاکم تبعیض آمیز و غیر عادلانه بوده و این دیدگاه ناشی از یک آمارگیری و نظر سنجی میباشد که توسط دفاتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در زون های کشور انجام شده که به نمونه هایی از آن میتوان اینگونه اشاره نمود که در برخی از این نظریات به دلایل آن نیز اشاره شده : در ولایات شرقی رسیدگی قضائی نسبت به زنان تبعیض آمیز بوده و تنها در ولایات ننگرهار زندان زنانه وجود دارد که نسبت به ضعیف بودن سطح بازپرسی ، عدم استقرار نظم ، قانون ، عرف ناپسندیده و تهدید زنان کمتر میتوانند جهت حل مشکلات خویش به محاکم ذی صلاح مراجعه نمایند .

زون مرکز و یا ولایت بامیان نشان میدهد که بدلیل نبود محاکم فامیلی و قوانین حمایت کننده از زنان رسیدگی قضائی به حقوق آنان غیر عادلانه و غیر منصفانه بوده که این امر ناشی از عرف مرد سالاری و عادات ناپسندیده است .

در برخی از ولایات حتی پرونده های زنان به محاکم برده نمیشوند مانند زابل و یا اینکه به محاکم رجوع میشود . اما محاکم به ادعای زنان چندان توجه ندارند مانند هلمند و فیصله های محاکم در این ولایات بصورت غیابی صورت میگیرد و فقط حکم آن ابلاغ میشود و برای آنان اجازه دفاع داده نمیشود و آنان حق دسترسی به دفاع از خود را که یک اصل بنیادی است ندارند و در قندهار نیز زنان بصورت قناعت بخش به محاکم دسترسی ندارند و زنان به حیث جنس درجه دوم شناخته میشوند و محاکم در ضدیت با زنان قرار دارند .

در زون جنوب صدای زنان قطعاً شنیده نمیشود و به ادعای آنان هیچگونه اعتنایی صورت نمیگرد و محاکم غیر عادلانه میباشد .

در زون غرب به جز ولایت هرات در دیگر ولایات زندان وجود ندارد و رسیدگی به امور زنان نشان میدهد که قضاوت ها غیر عادلانه بوده در زون شمال شرق حکایت شده که زندان زنانه وجود دارد اما مشکلات هم دارد و محاکم در دسترس زنان قرار دارد ولی با توجه به عرف و سنت حاکم در آن جا ارزش چندان برای زنان وجود ندارد که در هنگام مشکلات به محاکم رجوع کنند . بر خلاف زون ها و ولایات فوق بررسی ها نشان داده است که در بلخ ، جوزجان ، سمنگان و ولایت سرپل رسیدگی قضائی به امور زنان در حد اعتدال قرار دارد .

#### 5. زنان و فعالیت آنان در نهادهای اجتماعی و مدنی:

زنان نیز مانند مردان حق دارند در فعالیت های اجتماعی و مدنی شرکت کنند و نهاد هایی را در جهت رشد و پیشرفت شان تاسیس نمایند و این حقوق میباشد که در اسناد بین المللی به خصوص در میثاق مدنی و سیاسی ، میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی فرهنگی و همچنان کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ، مورد توجه قرار گرفته و خوشبختانه دولت جمهوری اسلامی افغانستان اسناد فوق را تصویب نموده و در این راستا تلاش های زیادی صورت گرفته تا زنان بتوانند از این حق شان بهره مند گردند . بدین ترتیب ضروریست تابدانیم که وضعیت فعلی زنان در این عرصه چگونه میباشد و بدین منظور کمیسیون نظر سنجی ای را انجام داده که نتایج این گونه نشان میدهد :

نهادهای مدنی و سیاسی که توسط زنان تاسیس شده باشد که در آن زنان به فعالیت های اجتماعی خود بصورت مستقل بپردازند وجود ندارد و در صورتی که وجود هم داشته باشد به چشم نمی آید زیرا چشمگیر نمیباشد اما فعالیتشان در نهاد های مدنی دیده میشود که آن هم در سطح پائین قرار دارد . این آمار در ولایات متفاوت میباشد و در چند ولایت از جمله هرات ، مزار ، کابل ، گردیز ، ننگرهار ، تخار ، فعالیت آنان قابل توجه میباشد در بقیه ولایات کم رنگ و یا در سطح پائین قرار دارد . برای این که زنان بتوانند از حقوق شان بگونه ای مطلوب استفاده کنند مراتب ذیل پیشنهاد میگردد:

#### پیشنهادات:

- اصلاح و تعدیل قوانین نظر به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و تطبیق آن در قانون.
- دولت باید به جهت عملی ساختن تعهداتش در استراتژی ملی انکشافی تلاش موثرتر نماید.
- تامین امنیت هر چه بهتر از طریق عدالت قضایی، فقر زدایی، خلع سلاح، اشتغال
- گسترش کار فرهنگی و آگاهی بخش

- رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان از طریق اقدامات اداری، قضایی، قانونی. به طور مثال واحد نمونه ای مبارزه با خشونت خانوادگی در حوزه 10 پولیس تشکیل شده خوب است که به سایر حوزه های پولیس نیز گسترش یابد.
- تلاش همه جانبه جهت بالابردن آگاهی عامه در زمینه های مختلف چون تعلیم و تربیه دختران، صحت و خشونت علیه زنان.
- دولت اقدامات ضروری را متناسب با شرایط هر منطقه به جهت رشد کمی و کیفی تعلیم تربیه دختران انجام دهد.
- مقابله با رسم و رواج های ناپسند از مجرای قانونگزاری، شوراهای ولایتی و علمای دینی.
- دولت باید مکانیزم های قوی برای تطبیق قانون ایجاد نماید
- وزارت صحت عامه باید پلانهای توسعهی و ایجاد مراکز صحتی و بالابردن امکان دسترسی متناسب با استانداردهای بین المللی را با توجه خاص به زنان تطبیق نماید.
- تسهیلات مناسب و تدابیر اضافی غرض رفتن پرسنل انات صحتی به نقاط دور دست در نظر گرفته شود.
- ایجاد دفاتر رسمی ثبت از دواج، طلاق ها و تولد ها و تنظیم نکاح نامه رسمی با ذکر تمام شرایط.
- ایجاد محکمه های فامیلی با استانداردهای بین المللی.
- ایجاد مراکز روان درمانی.